

علم و فن سیاسی؛ الگوی دولت‌سازی راهبردی کارآمد

علیرضا صدرا

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Sadra@ut.ac.ir

چکیده

الگوی سیاسی توسعه تک‌ساحتی تنازعی مدرنیستی، اشکال نارسایی و ناسازواری ذاتی و درون‌زادی مشکل‌آفرین اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را بروز داده است. چه الگوی دولت حداقلی سرمایه‌سالاری لیبرالیستی و سیاست عدم دخالت لیبرالیستی در یک سویه باشد و چه در سویه متعارض، الگوی حداکثری دولت‌سالاری و سیاست دخالت دولت سوسیالیستی باشد، دولت به معنای نظام مدنی، اجتماعی و سیاسی، ساختاری در ردیف سایر ساختارها نیست. ساختار راهبردی و فراگیرترین ساختار مدیریت امور عمومی و مدیریت امور پیشرفت کشور است. کما اینکه دولت به معنای هیئت حاکمه، نهادی در ردیف نهادهای دیگر نیست و تنها فرآیند با راهبردی‌ترین و فرابردنی‌ترین نقش مدیریتی عمومی امور پیشرو در سیاست، ساختار و سرنوشت ملی کشور است. تا جایی که برخی «علم سیاست» را «علم دولت» تلقی و تعبیر کرده‌اند. فرضیه این مقاله این است که «پدیده و پدیده‌شناسی راهبردی دولت، کارآمدترین الگوی جایگزین بهینه و بسامان‌الگوهای مدرنیستی دولت است»؛ مراد علم و فن سیاسی «الگوی (نقش) راهبردی دولت» یعنی هیئت حاکمیت و گروه مدنی حاکم و حکومت

است و به تعبیری، هدف مدل «معماری دولت» است و منظور الگوی «کارگذاری دولت» است. نقش ستادی و قرارگاهی هماهنگی (نه سازمانی و صفی) دولت با اهم کارویژه‌های دوگانه، هدایتی و حمایتی (هماهنگی و پشتیبانی) عمومی است و دارای دو کارکرد سیاست‌گذاری و سیاست‌مداری است؛ یعنی اول ترسیم سیاست‌های عمومی و دوم اعمال سیاست‌ها. منظور سیاست توسعه اقتصادی و تأمین آسایش عمومی، توأمان سیاست تعادل اجتماعی و در جهت سیاست تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی و تضمین آرامش مدنی است. نتیجه اینکه الگوی راهبردی دولت به سبب نقش بنیادین، جامع یا رسا، نظام‌مند یا سازوار و هدفمندی، ظرفیت کارآمدی، بهره‌وری اثربخشی بهینه و بسامانی در جهت تحقق پیشرفت مدنی دارد. بدین ترتیب، پدیده و پدیده‌شناسی دولت علم و فن فرانهاد راهبردی فرابردی است. روش این تحقیق تحلیل متن و محتوایی موضوع و اهم منابع مربوط است.

کلیدواژه‌ها: دولت، سیاست، کارگذاری، علم، راهبرد و راهبردی، پیشرو و پیشرفت، کارآمدی.

پیش درآمد

نقش راهبردی دولت یا الگوی دولت راهبردی برترین راهبرد و الگوی کارآمدسازی بهره‌وری و اثربخشی ملی آن است. نقطه آغاز الگوسازی نقش راهبردی دولت کارآمد است و محوریت عزیمت الگوی دولت‌سازی راهبردی کارآمد در گام دوم انقلاب اسلامی است. در میانه نقش مدل‌های دوگانه غیرراهبردی رقیب در الگوی توسعه تک‌ساحتی است. در یک سو دولت هیچ‌کاره حداقلی سرمایه‌سالاری لیبرالیستی (کاپیتالیستی) با سیاست عدم دخالت آن است و در آن دولت از اساس و در نهایت، یک شرکت سهامی خاص ثروتمندان یک درصد بر (علیه) ۹۹ درصد است؛ ولو به ظاهر، دولت نه مالک، نه مدیر و نه مجری نیست و تنها حافظ منافع سرمایه‌سالاران به‌شمار می‌آید. وظیفه اصلی و ذاتی دولت و سیاست، که نخست توسط لاک ادعا می‌شد، «حداکثر منفعت برای حداکثر افراد» است (لاک، ۱۳۸۷: ص ۱۷۹)؛ همچنین، حمایت و حفاظت و ایمنی حداکثری سرمایه‌گذاران و تأمین حداکثر منفعت و ثروت برای حداکثر سرمایه‌داران است که همان سرمایه‌سالاران هستند. دیگری در سوی دیگر، ولو به ظاهر متعارض، اما با شالوده‌های

مشترک، دولت همه‌کاره حداکثری دولت‌سالاری سوسیالیستی با سیاست دخالت فراگیر آن است و در آن دولت دارای اهم حقوق و نقش‌های سه‌گانه است: اول، مالک است؛ دوم، حاکم، مدیر و کارفرماست؛ سوم، مجری و پیمانکار نیز است. دولت در ایران در حال حاضر ملغمه‌ای از دولت حداکثری و دولت حداقلی است. التقاطی از سیاست دخالت و سیاست عدم دخالت است. جایی که بایسته است هدایت و هماهنگی و حمایت کند، وارد نمی‌شود و امور را به حال خود رها می‌کند و بسان بانک‌هاست که به بنگاهداری می‌پردازند. بنگاه‌ها نیز همه‌کاره بازار و تعیین قیمت‌های مسکن، خودرو، و همانند این‌ها شده‌اند و نقدینگی در کشور سرگردان است. هر جا که سود بادآورده بنگاهداران ایجاب کند رفته‌اند و سبب تورم رکودی خطرناکی شده‌اند که مردم را آزرده است و کشور را در معرض خطر قرار داده‌اند. در اینجا نیاز است با سیاست‌گذاری و اعمال سیاست‌های راهبردی بانکی، نقدینگی، مالی، پولی، ارزی، مالیاتی همه این‌ها سامان‌دهی شود و در جهت پیشرفت کشور از تهدیدات جلوگیری و فرصت‌سازی شود. کمااینکه برعکس، در جایی نیز که شایسته نیست دولت دخالت کند (همانند مسکن‌سازی مهر)، بسیاری از شرکت‌های دولتی و دولت‌گاه تا حد پیمانکار جزء تقلیل می‌یابند و از هدایت و هماهنگی در میان بخش بازمی‌مانند. در این شرایط دولت خود یک‌طرف ماجراست که امکان سامان‌دهی و راهبرد و نیز نظارت و کنترل را از خود سلب می‌کند. نقش راهبردی دولت، برترین گزینه در کارآمدسازی دولت و ایفای نقش راهبردی فراپردی بی‌بدیل پیشرفت کشور است. با توجه به نقش راهبردی دولت در فراپردی پیشرفت می‌توان از آن به الگوی راهبرد دولت یا الگوی دولت راهبردی تعبیر کرد. بدین‌سان پدیده‌شناسی و پدیده‌سیاست‌علم و فن راهبرد و راهبرد فراپردی پیشرفت است. پدیده و پدیده‌شناسی دولت به معنای نظام سیاسی، علم و فن فراساختار راهبردی جامعه است و به معنای هیئت راهبردی، علم و فن فرانهاد راهبردی فراپردی نظام سیاسی در کشور است.

درآمد

پدیده و پدیده‌شناسی (علم) سیاسی، کارآمدسازی سیاسی، نظام‌سازی سیاسی، دولت‌سازی کارآمد و الگو‌سازی پیشرفت سیاسی و سیاست پیشرفت به دو اعتبار قابل طرح و تبیین علمی، ترسیم فنی، ترویج عمومی (گفتمان‌سازی) تا تحقق عینی‌اند: یکی به اعتبار رویکرد توحیدی، رهیافت راهبردی و راهبرد کارآمدسازی ملی و دولت، به‌ویژه دولت‌سازی کارآمد است؛ برترین جایگزین دیگر، رویکرد غیر و ضدتوحیدی، رهیافت غیرراهبردی و راهبرد دولت ناکارآمد یا با

کارآمدی تک‌ساحتی و تنازعی است. رویکرد توحیدی سیاسی سیاست دوساحتی مادی و معنوی، دوبعدی باطنی و ظاهری و عینیت یعنی یگانگی دیانت و سیاست بسان روح و جسم یا زیربنا و بنا، به صورت متعادل و متعالی است. جایگزین سیاست تک‌ساحتی مادی، یک‌بعدی ظاهری مدرنیستی متدانی یعنی نامتعادل و نامتعالی است. رهیافت راهبردی پدیده و پدیده‌شناسی دولت و سیاست و حتی پیشرفت به صورت بنیادین، جامع، نظام‌مند و هدفمند است. مراد از آغاز آفرینش و بنیاد فطرت خودشکوفایی همه‌جانبه نظام سیاسی تا پیشرفت نهایی و آرمان آن است. مراد از کارآمدسازی بهره‌وری و اثربخشی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ملی، دولتی، عمومی و خصوصی داخلی و خارجی است. سیاست توسعه اقتصادی تعادل اجتماعی در جهت تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی است. در نتیجه، کمال‌رسانی و سازواری ذاتی و درون‌زادی نظام سیاسی است و حاصل آن کرامت و سعادت آسایش، اعتدال و آرامش جامعه مدنی است. جایگزین سیاست غیرراهبردی، ظاهری و جزئی‌گرایی حداقل‌گرا یا حداکثرگرا و سیاست عدم دخالت یا سیاست دخالت آن است. راهبرد کارآمدی و کارآمدسازی دولت و بلکه دولت‌سازی کارآمد، بهره‌ورسازی و اثربخش‌سازی هرچه فراتر دولت است و به‌مثابه فرانهاد راهبردی فرابردی نظام سیاسی و جامعه در کشور است و منظور علم و فن آن است. بدین‌سان علم، فن و عمل راهبردی فرایند الگوسازی راهبردی نظام سیاسی، به‌ویژه دولت‌سازی کارآمد و سیاست پیشرفت تا تحقق عینی با اهم برجستگی‌های پیش‌گفته، از جمله دارای اهم ویژگی‌های علمی و فنی مدنی، اجتماعی و سیاسی زیر است که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. علم و فن الگوهای دو یا سه‌گانه علمی و فنی مدنی، اجتماعی و سیاسی؛
 ۲. علم و فن مراتب یا وجوه سه‌گانه مدنی، اجتماعی و سیاسی؛
 ۳. علم و فن سیاست بخش‌های سه‌گانه مدنی، اجتماعی و سیاسی؛
 ۴. علم و فن سیاست عرصه‌های چهارگانه راهبردی، کاربردی، اجرایی و جاری مدنی، اجتماعی و سیاسی؛
 ۵. علم و فن شئون سه‌گانه مدنی، اجتماعی و سیاسی؛
 ۶. علم و فن سیاست گستره‌ها و گستره‌های سه‌گانه مدنی، اجتماعی و سیاسی؛
 ۷. علم و فن مراحل چهارگانه سیاست‌سازی و دولت‌سازی کارآمد مدنی، اجتماعی و سیاسی.
- در ادامه به طرح و واکاوی اشاره‌گونه اهم موارد هفت‌گانه بالا پرداخته می‌شود.

۱. علم و فن الگوهای دو یا سه‌گانه علمی و فنی مدنی، اجتماعی و سیاسی

مراد از علم و فن الگوهای دو یا سه‌گانه سیاسی راهبردی و غیرراهبردی (حداقلی-حداکثری) پیشرفت مدنی، دولت مدنی، سیاست مدنی و حتی کارآمدی مدنی است. الگوی غیرراهبردی دولت خود دو مدل ولو به ظاهر متعارض دولت حداقلی و دولت حداکثر دارد.^۱ منظور نقادی و نفی الگوهای غیرراهبردی و طرح الگوی راهبردی دولت و دولت راهبردی است. منظور دولت کارگزار، سیاست‌گذاری و سیاست‌مداری، معمار، هادی، ولی و امام است و سیاست کارگزاری، معماری سیاسی، هادی، ولی و امام است. در قبال و در مقابل الگوی غیرراهبردی مدل‌های متعارض دولت حداقلی کارپرداز سرمایه‌سالاری، دولت حداکثری کارگزين سوسیالیستی و فرای سیاست عدم دخالت، سیاست دخالت آن‌هاست (صدرا، ۱۳۸۹: ص ۸۷، ۲۰۷، ۲۷۱).

الگوی دولت راهبردی

برترین جایگزین بهینه و بسامان کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی الگوی دولت غیرراهبردی ناکارآمد یا با کارآمدی تک‌ساحتی و تنازعی فرویدیسمی و داروینسیمی (سلطه‌طلبانه و امپریالیستی) است؛ چه دولت حداقلی سرمایه‌سالاری و سیاست عدم دخالت و کارآمدی باشد و چه متقابلاً دولت‌سالاری حداکثری سوسیالیستی و توتالیتریستی و سیاست دخالت آن به‌شمار آید. الگوی دولت و کارآمدی راهبردی، به تعبیری الگوی دولت کارآمد راهبردی یا الگوی کارآمد دولت راهبردی سبب فاعلی (به اصطلاح سوژه) حقیقی و یقینی واقعی الگوسازی پیشرفت (ابژه) و در اصل الگوسازی اسلامی ایرانی پیشرفت است. مراد از پیشرفت توحیدی یعنی دوساحتی مادی و معنوی و دویعدی باطنی (ارزشی بنیادین و غایی، بینشی یا نگرشی و منشی یا گرایشی درونی) و ظاهری (کنشی) ساختاری حقوقی و قانونی و ساختاری سازمانی و اداری] و روشی یا رفتاری بیرونی) است. چنین کارآمدی و پیشرفتی را می‌توان متعادل و متعالی تلقی و تعبیر کرد. منظور از توسعه کمی و کیفی اقتصادی سخت، نیمه‌سخت و نرم‌افزاری و تأمین آسایش عمومی توأمان با توسعه و تعادل سیاسی در جهت توسعه و تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی و تضمین آرامش

۱. می‌توان این‌ها را الگوهای دوگانه راهبردی و غیرراهبردی دانست یا الگوهای سه‌گانه دولت راهبردی، میانه دوسویه متعارض دولت حداقلی در یک‌طرف و دولت حداکثری در طرف متقابل تلقی و تعبیر کرد.

۲. ر.ک.: صدرا، ۱۳۸۹. این اثر به‌صورت همه‌جانبه به نقادی الگوی غیرراهبردی دولت و نظریه‌سازی الگوی دولت راهبردی پرداخته است.

مدنی است؛ پیشرفتی که ضمن اینکه توسعه‌گراست، دارای تعادل است و تعادل‌بخش مدنی است و در عین حال، تعالی‌آفرین است. چنین پدیده‌ی راهبردی دولت، کارآمدی و پیشرفتی نیازمند و دارای ظرفیت علم این چنین است و آن را مطالبه می‌کند. پرسمان علم یعنی پدیده‌شناسی (اعم) دولت راهبردی، راهبردی کارآمدی و پیشرفت فراهم‌آمده‌ی پرسگان (پرسه‌های سه‌گانه) معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و پدیده‌شناسی (عام) است. فراگیر (پرسش) هستی‌شناسی در پاسخ به چرایی، (پرسش و پاسخ) چیستی‌شناسی و (پرسش و پاسخ) چگونگی‌شناسی است. این‌ها مراتب یا وجوه سه‌گانه پدیده و پدیده‌شناسی سیاست یا سیاسی است و فن سیاسی یا سیاست به معنای عام به‌شمار می‌آیند. پدیده و پدیده‌شناسی با ساختار (قوسی) فراگردی فراگیر دو فرایند معکوس؛ نخست، فرایند سیاست‌نظری یا تحقیقی (عینی توصیفی، تحلیلی تجریدی ذهنی و انتزاعی تعلیلی عقلی) سیاسی و دوم، سیاست‌عملی یا تحقیقی (ذهنی تجویزی، تبیینی و تطبیقی عینی) سیاسی است. حال پرسش اصلی این است که «دولت راهبردی، به‌مثابه موضوع علم دولت راهبردی و نقطه عزیمت سیاست، چیست؟» پرسش‌های فرعی چرایی، چیستی و چگونگی آن است.

۲. علم و فن مراتب یا وجوه سه‌گانه مدنی، اجتماعی و سیاسی

پدیده‌ی مدنی، اجتماعی و سیاسی و سیاست دارای مراتب سه‌گانه عینی، علمی یا پدیده‌شناسی و عملی است. از مبادی، مبانی و مظاهر فراهم‌آمده است و از بنیاد تا غایت‌شناسی، بودشناسی و نمودشناسی فراگیر است. این مراتب سه‌گانه سیاسی لازم و قابل شناخت هستند و دولت، به‌ویژه نقش راهبردی دولت و دولت راهبردی و شناسایی و شناساندن آن نیز از این امر مستثنی نیست. الگوی راهبردی نظام سیاسی و سیاست پیشرفت نیز هم دارای این مراتب است و هم با این مراتب سه‌گانه، قابل تبیین علمی، ترسیم عملی (راهبردی و کاربردی)، ترویج عمومی و تحقق عینی‌اند. علم و پدیده‌شناسی این‌ها نیز عهده‌دار و قادر به شناسایی و شناساندن همین مراتب یا وجوه سه‌گانه است.

چرایی یا هستی، چیستی و چگونگی (فرانهاد فرابردی) دولت راهبردی مبین خاستگاه، جایگاه و نقش آن است و متضمن حقیقت و ماهیت واقعیت راهبردی دولت است و به تعبیری، نشانگر مبادی ارزشی بنیادین و غایی، مبانی ماهوی بینشی یقینی و مظاهر واقعی عینی الگوی دولت راهبردی و کارآمدی سیاسی و علم سیاسی آن‌هاست. چرایی بیانگر موضوعیت و ضرورت حقیقی یا بایستگی آن است و چیستی حدود یعنی مبانی ماهوی یقینی آن است. در قبال و فرای مدل دولت،

کارآمدی و پیشرفت ظنی یعنی پنداری تک‌ساحتی مادی و یک‌بعدی ظاهری است. در مقابل مدل دولت، کارآمدی و پیشرفت توهمی یعنی کاذب یا دروغین تنازعی است. مدل‌هایی که به‌زعم خود بیشتر به چگونگی شناسی و چگونگی‌سازی می‌پردازند کمتر به چیستی شناسی و هستی شناسی توجه دارند.

بدین ترتیب، پدیده و پدیده‌شناسی مدنی یعنی اجتماعی و سیاسی و سیاست از جمله نظام سیاسی و دولت به‌ویژه در رویکرد توحیدی و رهیافت راهبردی دارای مراتب یا وجوه سه‌گانه عینی، علمی و عملی سیاسی است. فراگیر علم و فن ارزش، بینش و منش و کنش و روش یا رفتار (نمودشناسی) سیاسی است. نتیجه دانایی سیاسی، بینایی (بصیرت) سیاسی و آگاهی سیاسی است. مراد از ارزش سیاسی، بینش سیاسی و دانش سیاسی است. جامع علم و فن حکمت اعم از فلسفه (هستی‌شناسی) و کلام (چیستی‌شناسی، معرفت یا بینش) سیاسی و دانش تجربی عینی سیاسی است و شامل اهم نگرش‌های چهارگانه علمی و عملی عینی سیاسی است. مراد نگرش و گرایش فلسفی سیاسی، دانشی سیاسی، فقهی سیاسی و فنی سیاسی است؛ به تعبیری، اعم از علمی حقیقی و ماهوی، علمی عینی، علمی حقوقی و علمی عملی (راهبردی و کاربردی) کارگذاری است. رویکرد غیرتوحیدی و رهیافت غیرراهبردی، بسان علوم طبیعی، به مرتبه و وجه سوم واقعیت ظاهری و ظاهر واقعیت یعنی مظاهر، چگونگی و چگونگی‌شناسی و دانش یا آگاهی سیاسی و بسان این‌ها می‌پردازد و اکتفا می‌کند، اما رهیافت راهبردی به اهم مراتب و وجوه سه‌گانه پدیده و پدیده‌شناسی سیاست پیشرفت و دولت اهتمام می‌ورزد؛ چنان‌که میشل فوکو فرانسوی، چهره شاخص پست‌مدرنیسم، به این نقص علم سیاسی از جمله علم قدرت جدید پی برده است و پرداختن به اهم مراتب یا وجوه سه‌گانه فوق را پیشنهاد می‌دهد.

میشل فوکو (Michel Foucault, 1926-84) از پیشکسوتان پست‌مدرنیسم (-Post Modern-ism) و چهره‌های شاخص فرامدرنیسم بود که ولو به‌ظاهر، به شالوده‌شکنی مدرنیسم در دوران معاصر پرداخت.^۱ در زمینه شناخت قدرت و به‌ویژه قدرت سیاسی، به‌مثابه روح نیروی مولد دولت

۱. اگرچه شالوده‌های سیاسی و نیز دولت مدرنیسم ۱. مادی، ۲. طبیعی، ۳. اومانستی یعنی بشری غریزی به‌جای انسانی فطری، ۴. دوآلیستی یعنی تجزیه و جدایی مادیت و معنویت و دیانت و سیاست به‌جای رویکرد مونستی یعنی توحید و یگانگی دیانت و سیاست درعین دوگونگی آن‌ها بسان روح و جسم، ۵. سکولاریستی یعنی تک‌ساحتی و تنازعی به‌جای دوساحتی مادی و معنوی و دوبعدی باطنی و ظاهری، ۶. اگوئیستی یعنی خودخواهی فردی یا ملی، به‌جای غیرخواهی و خیرخواهی و ۷. راسیونالیستی یعنی هوش ابزاری مدرنیسم به‌جای خرد متعالی در نیهیلیسم

و سیاست، تاحدود زیادی به مراتب سه‌گانه پدیده و پدیده‌شناسی آن نزدیک شد. فوکو مدعی شد که دوران جدید بیشتر به چگونگی و چگونگی‌شناسی قدرت محدود شده است. حال اینکه بایسته بود به هر سه پرسش چرایی یا هستی، چیستی و چگونگی قدرت و پاسخ بدان‌ها پرداخته شود؛ یعنی شایسته است به چگونگی‌شناسی، چیستی‌شناسی و هستی‌شناسی (نظری) قدرت سیاسی و یا برعکس، هستی‌شناسی، چیستی‌شناسی و چگونگی‌شناسی (عملی) آن همت گماشت و در یکی از آخرین مقاله‌های خویش، با عنوان «سوژه و قدرت» به این مهم توجه کرد. با این نگرش در این نگارش تصریح می‌کند: «از نظر برخی کسان پرسش درباره "چگونگی" آن‌ها را به صرف توصیف تأثیرات قدرت محدود می‌کند، بدون آنکه بتوانند آن تأثیرات را به علل و یا به سرشت بنیادی [قدرت] پیوند دهند» (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۶: ص ۳۵۳).^۱ در نتیجه، چنین برخوردی «قدرت را به ماهیتی مرموز تبدیل می‌کند که مردم در طرح پرسش درباره آن تردید می‌کنند» (همان: صص ۳۵۴-۳۵۳)؛ چراکه ماهیت آن را درک نمی‌کنند. زیرا «آن‌ها ترجیح می‌دهند قدرت را به زیر سؤال نکشند» (همان: ص ۳۵۴). این به نوعی مبین سیر علم سیاست در دوران مدرنیسم از علم سیاست طبیعی ماکیاولیسم تا علم طبیعی نمودشناسی سیاسی پوزیتیویسم کنتی است. چنان‌که اشترواس نیز پیش‌تر آن را علم سیاست طبیعی می‌خواند (اشترواس، ۱۳۷۳: ص ۲۸). سرانجام

پست‌مدرنیسم نیز جریان دارد، اما به صورت تردیدآمیز و تحیرانگیز و به اصطلاح سیاست ژله‌ای یا لرزانک و ابرناک کوانتومی شده است. منتها متافیزیک سیاست و علم سیاسی مدرنیسم فیزیک جمادی و مکانیک جامداتی ساعت‌وار نیوتنی است که پس از سیاست طبیعی ارگانیستی ماکیاولیستی توسط هابز وارد سیاست طبیعی مکانیستی و دانش چگونگی‌شناسی طبیعی سیاسی شده است و دانش نمودشناسی طبیعی سیاست پوزیتیویسمی کنتی اوج آن است. مکاتب بعدی از اگزستانسیالیسم کی‌کگاردی، پدیدارشناسی هوسلری، بودشناسی هایدگری، حتی هرمنوتیسم یا گفتمان، ضمن ضدطبیعت‌گرایی پوزیتیویستی، طرح جایگزین اثباتی جامعی ارائه نکرده‌اند؛ به همین سبب، به پست‌مدرنیسم کشیده می‌شوند. فیزیک نسبیت انیشتنی و کوانتوم پلانگی، متافیزیک نسبیت مطلقه پست‌مدرنیسم اعم از فرامدرنیسم خوش‌بینانه امثال گیدنی در خط سوم در جامعه‌شناسی، دانیل لیتل، در تعددگرایی روشی کتاب تبیین در علوم اجتماعی جری استوکر و دیوید مارش، در تعددگرایی کتاب روش و نظریه در علوم سیاسی است. همچنین، در پسامدرنیسم بدبینانه نمونه‌هایی مانند فایراندی در کتاب علیه روش او به تصریح چالمرز در مقدمه و نتیجه کتاب چیستی فلسفه علم او است.

۱. این اثر به فراساخت‌گرایی و هرمنوتیک فوکو پرداخته است. به ضمیمه دو مقاله «قدرت و حقیقت» و نیز مقاله «سوژه و قدرت» به قلم خود فوکو است و چه بسا ملهم از انقلاب اسلامی است. به نظر می‌رسد متأثر از حکمت متعالی و ظاهراً از طریق هانری کربن است. به‌ویژه آنکه ایشان به‌عنوان فیلسوف قدرت (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۶: صص ۳۱۱ و ۳۴۴)، به فیلسوف سوژه (همان: ص ۳۴۸) و سرانجام به گفتمان سیاست هدایت می‌رسد (همان: ص ۳۶۴).

امروزه تا نیهیلیسم پست مدرنیسم خوش‌بینانه (Optimistic) گیدنزی و حتی بدبینانه (Pessimistic) فایرابندی پیش آمده است (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱: ص ۲۲۷).^۱ این درحالی است که در تلقی فوکو، «قدرت چیزی است که با سه کیفیت متمایز وجود پیدا می‌کند: منشأ آن، سرشت بنیادین آن و نمودهای آن» (دریفوس و رابینو: همان). در این صورت «اگر عجلتاً برای مسئله "چگونگی"، جایگاه ممتازی قائل هستیم به این دلیل نیست که می‌خواهیم مسئله "چیستی" و "چرایی" را حذف کنیم، بلکه می‌خواهیم این مسئله را به شیوه دیگری عرضه بداریم» (همان). به تعبیر وی یا به سخن بهتر، «می‌خواهیم بدانم که آیا می‌توان به درستی قدرتی را تصور کرد که در خود چیستی، چرایی و چگونگی را یک جا جمع آورد؟» (همان). همچنین، «به سخن صریح و بی‌پرده، می‌خواهیم بگویم که آغاز تحلیل با مسئله "چگونگی"، مبین این نکته است که قدرت بدین معنی اصلاً وجود ندارد» (همان). دست‌کم «بدین شیوه از خود می‌پرسیم که وقتی چنین مفهوم بسیار فراگیر و شیئت‌بخشی را به‌کار می‌بریم، چه محتوایی برای آن در نظر داریم» (همان). یعنی چه ماهیتی دارد. کما اینکه «وقتی به نحو پایان‌ناپذیری به غور در این دو سؤال بپردازیم که قدرت چیست؟ و از کجا ناشی می‌شود؟ مجموعه بسیار پیچیده‌ای از واقعات (ظاهری و عینی) از دست می‌رود» (همان). اما «این سؤال کوچک‌تر که [وقتی قدرت اعمال می‌شود] چه روی می‌دهد، هرچند سطحی و تجربی است، لیکن وقتی در آن غور کنیم، می‌بینیم که همین سؤال ما را از متهم‌سازی متافیزیکی یا هستی‌شناسی قدرت به فریب‌کاری برحذر می‌دارد» (همان) و در عوض «ما را به تفحص انتقادی در موضوعات ریشه‌ای قدرت رهنمون می‌شود» (همان). مراد از درک انتقادی نارسایی‌ها و ناسازواری‌های واقعی قدرت ظاهری و شناخت ریشه‌ای مبادی قدرت حقیقی و مبانی ماهوی یقینی آن است؛ در هر صورت، به روش علمی نیازمند توصیف واقعیت عینی قدرت، تحلیل و تجرید ماهیت معرفتی، بینشی و ذهنی قدرت و تعلیل انتزاعی عقلی و تجویز و تبیین قدرت و با همین قیاس، سیاست و سایر پدیده‌های سیاسی هستیم.

اینکه فوکو فرانسوی این نظریه را از کجا اخذ کرده است، می‌تواند مورد تأمل باشد. شاید از هم‌وطن خود یعنی هانری کربن فرانسوی الهام گرفته یا اخذ کرده است؛^۲ چراکه وی با فلسفه

۱. اگرچه فرامدرنیسم به پلورالیسم می‌رسد، به‌جای کثرت‌گرایی معرفتی، روشی و علمی در عین وحدت‌گرایی نگاه، نظریه و نظام آن‌ها به تعددگرایی و درهمی و همه‌چی‌پنداری علمی می‌رسد و حتی به التقاط‌کشانده می‌شود (ز.ک.: گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱).

۲. تاریخ فلسفه اسلامی هانری کربن می‌تواند مورد نظر بوده باشد.

متعالی ایرانی، اسلامی و شیعی صدرایی آشنا بوده است. در این فلسفه، هم سیاست و هم به تبع آن، علم سیاسی به صورت بنیادین، جامع، نظام‌مند و هدفمند ارائه شده است. علم سیاسی دارای ساختاری یگانه، فراگردی (قوسی شکل) با دو فرایند نظری و عملی، مراتب سه‌گانه و هر یک با منابع و شیوه خاص خود است. چنین سیاست و علمی توحیدی دوساحتی مادی و معنوی و دویعدی باطنی (ارزشی، بینشی و منشی) سیاسی و ظاهری (کنشی و روشی یا نمودشناسی رفتارشناسی) سیاسی متعادل و متعالی است.

این همان است که نزد متفکران علمی سیاسی اسلامی و ایرانی مورد توجه و حتی مورد تأکید بوده است. همان‌گونه که «فارابی» (قرن ۴)، مؤسس فلسفه سیاسی در تاریخ و جهان اسلام و ایران، در زمینه مراتب و منابع سه‌گانه علمی در کتاب اندیشه‌های اهل مدینه فاضله^۱ تصریح می‌کند: «علم ادراک ... به واسطه احساس باشد و یا تخیل (فهم) و یا به علم عقلی» است (فارابی، ۱۴۰۴ه.ق: ص ۱۱۰). به تعبیری دیگر، «علم به چیزی به وسیله قوه ناطقه (خرد) باشد و گاه به وسیله قوه متخیله (فاهمه) و گاه به احساس» است (همان: ص ۱۰۹). همچنین، ملاصدرا (قرن ۱۱ه.ق)، مؤسس فلسفه متعالی نیز در بخش سیاسی کتاب شواهد ربوبیه تأکید می‌کند: «موجود (پدیده) یا محسوس و یا متخیل (ذهنی) و یا معقول است» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۵: ص ۴۴۷). کما اینکه «برای هر یک نشئه و عالمی است مخصوص به آن» (همان). مراد همان مراتب سه‌گانه پدیده و پدیده‌شناسی، به‌ویژه سیاسی از جمله دولت مدنی، کارآمدی مدنی، اجتماعی و سیاسی و نیز پیشرفت مدنی، اجتماعی و سیاسی است و شامل منابع و روش‌های آن نیز است.

در این صورت علم به معنای اعم سیاست، معرفت‌شناسی سیاسی، روش‌شناسی سیاسی و پدیده‌شناسی سیاسی به‌شمار می‌آید. علم به معنای عام سیاست، پدیده‌شناسی سیاسی است و شامل مراتب سه‌گانه هستی‌شناسی سیاسی، چیستی‌شناسی سیاسی و چگونگی‌شناسی سیاسی است یا علم به معنای خاص، چگونگی‌شناسی سیاسی است و حتی علم به معنای اخص، نمودشناسی سیاسی تا رفتارشناسی سیاسی محسوب می‌شود؛ چنان‌که سیاست به معنای اعم، عام، خاص تا اخص به ترتیب، سیاست‌فرابخشی، میان‌بخشی و کلان‌بخشی و حتی زیربخشی به‌شمار می‌آید. این علوم و فنون و سیاست اعم تا اخص هر یک با منبع علمی و روش علمی خاص

۱. مدینه شهر و کشور تا جهان است. مدنی یعنی اجتماعی و سیاسی است. فاضله فرزانه یا فرهیخته، فرهنگی و فلسفی است. جامعه و نظام مطلوب و آرمانی است.

خود قابل تبیین، ترسیم، ترویج و تحقق است و به ترتیب منابع عقل و قلب (خرد و دل)، نقل (متون مکاتب سیاسی) و حس یا عرف عینی (تاریخ، جامعه و جهان) است. همچنین، به ترتیب شامل شیوه برهانی و شهودی، شیوه تحلیلی و تفسیری و شیوه استقرایی و تجربی هستند. علم سیاست به معنای خاص، چگونگی شناسی سیاسی و شناخت واقعیت سیاسی است. کنش شناسی سیاسی در پراگماتیسم سیاسی و نمودشناسی سیاسی در پوزیتیویسم سیاسی را می توان علم سیاست به معنای اخص دانست. علم هر یک از سایر مظاهر و عوارض کمی، کیفی، زمانی و مکانی سیاسی نیز بدین ترتیب است.

۳. علم و فن سیاست بخش های سه گانه مدنی، اجتماعی و سیاسی

«پیشرفت مدنی، اجتماعی و سیاسی دارای بخش های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و بخش های سه گانه پیشرفت مدنی دارای سیاست های راهبردی شامل سیاست های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. سیاست های فرابخشی، میان بخشی و کلان بخشی (تازیربخشی) اعم از سیاست توسعه اقتصادی، سیاست توسعه و تعادل سیاسی و اجتماعی و سیاست توسعه و تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی مسئله و موضوع بخش های سه گانه علمی و فنی سیاسی» محسوب می شوند و می توان این ها را علم و فن بخش های سه گانه علم و فن (پیشرفت) مدنی خواند و حتی بخش های سه گانه علم و فن مدنی تعبیر کرد. دولت راهبردی به مثابه ساینس یعنی فاعل فریب و مباشر سیاست پیشرفت، کارگزار، سیاست گزار و سیاست مدار و حتی نقش راهبردی دولت نیز مشمول این علوم و فنون بخش های سه گانه یا بخش های سه گانه علمی و فنی است. فراگیر:

● علم و فن

- سیاست توسعه اقتصادی، ابزاری و تأمین آسایش عمومی؛
- توسعه اقتصاد سیاسی (حتی اقتصاد توسعه و تعادل سیاسی).

● علم و فن

- ۱. سیاست تعادل اجتماعی و سیاسی و ۲. تعادل اجتماع سیاسی؛
- ۱. سیاست کارآمدسازی ملی (کارآمدی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) و ۲. کارآمدسازی سیاسی (کارآمدی زیرساختی، ساختاری و راهبردی سیاسی یا زیرساخت، ساختار و راهبرد کارآمدی سیاسی).
- ۱. سیاست پیشرفت مدنی (الگوسازی اسلامی ایرانی سیاست پیشرفت)؛

- ✓ الف - سیاست توسعه اقتصادی و ابزاری و تأمین آسایش عمومی توأمان
 - ✓ ب - سیاست توسعه و تعادل اجتماعی و اقتدار ملی، در جهت
 - ✓ ج - سیاست توسعه و تعالی فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی و تضمین آرامش مدنی
۲. پیشرفت سیاسی (الگوسازی پیشرفت سیاسی)، پیشرفت نظام سیاسی، جامعه سیاسی و سازمان سیاسی (نهاد رهبری و قوای سه‌گانه)، دولت (حکومت و حاکمیت و قدرت سیاسی).

● علم و فن

- سیاست توسعه و تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی؛
- توسعه و تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی سیاسی (حتی فرهنگ توسعه و تعادل سیاسی).

۴. علم و فن سیاست عرصه‌های چهارگانه راهبردی، کاربردی، اجرایی و جاری مدنی، اجتماعی و سیاسی

پدیده و پدیده‌شناسی یا علم و فن و عمل سیاست پیشرفت و کارگذاری، سیاست‌گذاری و تحقق سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراگیر مراحل چهارگانه «راهبردی‌سازی»، «کاربردی‌سازی»، «اجرایی‌سازی» تا «جاری‌سازی» سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در ادامه به ترتیب می‌آید.

الف - علم و فن سیاست‌گذاری و سیاست‌های کلان راهبردی

مراد «راهبردی‌سازی» سیاسی است و بسان سیاست‌گذاری‌ها و سیاست‌های راهبردی راهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام در نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران است.

ب - علم و فن سیاسی، سیاست‌گذاری و سیاست‌های خُرد کاربردی

منظور «کاربردی‌سازی» سیاسی است و بسان سیاست‌گذاری‌ها و سیاست‌های کاربردی مجلس شورای اسلامی دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران است که کاربردی‌سازی سیاست‌های راهبردی در قالب قانون برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قوانین عادی، قانون بودجه سالیانه تصویبی است.

ج - علم و فن سیاسی، سیاست‌گذاری و سیاست‌های خُرد اجرایی

هدف «اجرایی‌سازی» سیاست‌های اجرایی است و بسان سیاست‌گذاری‌ها و سیاست‌های اجرایی

قوة اجرایی دولت و اجرایی سازی سیاست‌ها و قوانین کاربردی است که در قالب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برنامه‌های بودجه سالیانه و سایر قوانین پیشنهادی به مجلس و نیز مقررات، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های اجرایی آن‌هاست.

د. علم و فن سیاسی، سیاست‌گذاری و سیاست‌های خرد جاری

نهایت این‌ها «جاری‌سازی» سیاست‌های اجرایی است که بسان سیاست‌گذاری‌ها و سیاست‌های جاری بخش عمومی است و مراد از آن اصناف و مجامع صنفی، شهرداری‌ها همانند قرارگاه خاتم سازندگی و غیره است. بخش عمومی به‌مثابه مباشر، رابط و واسطه مورد اعتماد دولت با بخش خصوصی است و توزیع‌کننده طرح‌ها میان بخش خصوصی و دریافت و ارزیابی نتایج و جمع‌آوری و گزارش یا قرارداد حاصل کارها در اختیار دولت است؛ به‌ویژه عهده‌دار فرایند جاری‌سازی سیاست‌ها و تحقق عینی آن‌ها توسط بخش خصوصی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و متقابلاً جهت جاری‌سازی سیاست‌های اجرایی قوة اجرایی دولت با برنامه‌ریزی جاری و جاری‌سازی آن‌هاست یا برنامه‌ریزی جاری و جاری‌سازی برنامه با جاری‌سازی سیاست‌های اجرایی قوة اجرایی دولت است.

این سیر و حلقه‌ها و مراحل چهارگانه با ترسیم، تحقق و پایش و مهندسی مجدد مسیر پیشرفت رازمینه‌سازی می‌کند و موانع و عوامل مخل را کاهش می‌دهد یا از میان برمی‌دارد.

۵. علم و فن شئون سه‌گانه مدنی، اجتماعی و سیاسی

«پیشرفت مدنی و علم و فن آن» از جمله سیاست پیشرفت مدنی و نیز دولت راهبردی پیشران و پیش‌بر مدنی دارای شئون سه‌گانه علمی و فنی و نیز عملی و عینی سیاسی است و شامل علم و فن مهندسی، مدیریت و سلامت سیاست پیشرفت و پیشرفت مدنی و سیاسی است که می‌تواند شئون سه‌گانه علم و فن سیاسی، دولت، کارآمدسازی و پیشرفت نیز تلقی شود که در ادامه به ترتیب ذکر می‌شود.

● علم و فن مهندسی (معماری) سیاسی: نهادسازی و نظام‌سازی

➤ علم و فن راهبرد مهندسی (سیاست‌گذاری)،

➤ علم و فن مهندسی راهبردی (سیاست‌مداری).

● علم و فن مدیریت سیاسی

➤ علم و فن راهبرد مدیریت (سیاست‌گذاری)

✓ راهبرد بسیج منابع مادی و معنوی بالفعل و بالقوه (نیروها و نهادها)،

✓ راهبرد سازمان‌دهی،

✓ راهبرد اداره امور عمومی و اداره عمومی امور و پیشبرد،

✓ راهبرد نظارت و کنترل (پایش [مانیتورینگ و دسپاچینگ]، رصد و تزریق).

➤ علم و فن مدیریت راهبردی (سیاست‌مداری)

✓ بسیج راهبردی منابع مادی و معنوی بالفعل و بالقوه (نیروها و نهادها)،

✓ سازمان‌دهی راهبردی،

✓ اداره امور عمومی و اداره عمومی امور و پیشبرد راهبردی (راهبرد)،

✓ نظارت و کنترل (پایش [مانیتورینگ و دسپاچینگ]) راهبردی.

● علم و فن آسیب‌شناسی سیاسی

علم و فن آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی یا طب سیاسی است. منظور پاتولوژی سیاسی: فیزیولوژی سیاسی، آناتومی سیاسی، میکروبیولوژی سیاسی و ایمونولوژی سیاسی است (صدرا، ۱۳۹۵: ص ۱۹). به‌ویژه که به تعبیر خواجه نصیر در بخش سیاست مدنی گفتمان و کتاب اخلاق ناصری، «صاحب این علم (حکمت مدنی) ... به حقیقت طیب عالم بود» (طوسی، ۱۳۶۴: ص ۲۵۵) و همچنين، دولت یا «ملک طیب عالم بود» (همان: ص ۳۰۲).

➤ علم و فن راهبرد آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی

➤ علم و فن آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی راهبردی (بازمهندسی: مهندسی مجدد،

مکرر و مستمر). کتاب فصول منتزعه فارابی جامع‌ترین اثر در این زمینه است.

۶. علم و فن سیاست گستره‌های سه‌گانه مدنی، اجتماعی و سیاسی

پدیده و پدیده‌شناسی مدنی از جمله پیشرفت مدنی، اجتماعی و سیاسی و فرانهاد راهبردی فرابردی دولت و فن و عمل آن‌ها دارای «گستره‌های سه‌گانه فردی، جمعی و اجتماعی» است و در این گستره‌ها جریان دارد و قابل تبیین و ترسیم تا ترویج و تحقق عینی است. این‌ها را می‌توان علم و فن سیاست گستره‌ها یا علم و فن گستره‌های سیاست، دولت و پیشرفت مدنی و سیاسی نیز نامید که به ترتیب از جزء به کل (یا برعکس از کل به جزء) عبارت‌اند از:

● سیاست فردی افراد و حتی سیاست شخصی اشخاص و فرد و شخص سیاسی (ابن‌سینا

و خواجه نصیر این مورد را به سیاست و تدبیر خود، شخص، فرد و نیز اخلاق تعبیر کرده‌اند).

- سیاست جمعی مدنی سیاسی و جمعی سیاسی
 - سیاست خانوادگی که از آن تعبیر به سیاست و تدبیر منزل، اهل و غیره تعبیر شده است (جرجانی، ۱۳۷۷؛ خوارزمی، ۱۳۶۲؛ محسن افنان، ۱۴۰۴هـ؛ صلیبا، ۱۳۶۶: ذیل واژگان اخلاق، تدبیر، سیاست و غیره)،
 - سیاست گروهی (بسان سیاست حزبی، صنفی و غیره).
 - سیاست اجتماعی و اجتماعی سیاسی: از این مورد به تدبیر و سیاست مدن، اجتماعی و شهر تعبیر شده است که شامل موارد زیر است:
 - سیاست فروملی و فروملی سیاسی،
 - سیاست ملی و ملی سیاسی
 - ✓ داخلی سیاسی و سیاست داخلی،
 - ✓ خارجی سیاسی و سیاست خارجی.
 - فراملی سیاسی و سیاست فراملی
 - منطقه‌ای سیاسی و سیاست منطقه‌ای،
 - امتی سیاسی و سیاست امتی،
 - بین‌المللی سیاسی و سیاست بین‌المللی،
 - جهانی سیاسی و سیاست جهانی.
- سیاست فردی، جمعی، اجتماعی فروملی، ملی داخلی و خارجی و فراملی منطقه‌ای، امتی، بین‌المللی تا جهانی را می‌توان گستره‌های سیاسی یا سیاست گستره‌های مدنی از جمله پیشرفت مدن و نیز دولت مدنی تلقی و تعبیر کرد.

۷. علم و فن مراحل چهارگانه سیاست‌سازی و دولت‌سازی کارآمد مدنی، اجتماعی و سیاسی

علم و فن سیاست و دولت و حتی پیشرفت از جمله سیاست‌سازی، دولت‌سازی و به‌ویژه کارآمدسازی دولت یا دولت‌سازی کارآمد به اعتبار شکل‌گیری شامل موارد «تبیین، ترسیم، ترویج و تحقق» است و می‌توان از این‌ها به مراحل چهارگانه علم و فن سیاست‌سازی و دولت‌سازی کارآمد و پیشرفت نیز تعبیر کرد که عبارت‌اند از:

الف- تبیین علمی سیاسی نظری

مراد از تبیین علم نظری سیاسی: ۱. تبیین فلسفی، کلامی و حکمی سیاسی؛ ۲. تبیین دانشی سیاسی؛ ۳. تبیین فقهی و حقوقی سیاسی است.

ب- ترسیم علمی سیاسی عملیاتی

منظور ترسیم فنی عملیاتی (راهبردی و کاربردی) علمی سیاسی است؛ اعم از سیاست‌گذاری کلان راهبردی، سیاست‌گذاری خرد کاربردی، اجرایی تا جاری به ترتیبی که پیش‌تر در مورد چهارم اشاره شد.

ج- ترویج علمی سیاسی عمومی

منظور از آن ترویج عمومی علمی سیاسی است. فراگیر، گفتمان‌سازی نخبگانی، مردمی و مدیریتی دولتی، غیردولتی اعم از عمومی و خصوصی و اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فردی، جمعی و اجتماعی فروملی، ملی داخلی و خارجی تا فراملی منطقه‌ای، امتی، بین‌مللی تا جهانی است.

د- تحقق علمی سیاسی عینی

مراد تحقق عینی علمی سیاسی است. شامل شئون سه‌گانه علمی، فنی، عملی و تحقق عینی سیاست و سیاسی از جمله دولت و کارآمدسازی سیاسی و پیشرفت اعم از: ۱. مهندسی سیاسی شامل نهاد و نظام و نهاد و نظام‌سازی سیاسی؛ ۲. مدیریت سیاسی شامل بسیج، سازمان‌دهی، پیشبرد، پایش سیاسی و ۳. آسیب‌زدایی سیاسی شامل بازمهندسی سیاسی است. به ترتیبی که پیش‌تر در مورد پنجم بدان اشاره شد.

به اعتبارات دیگری نیز می‌توان پدیده و پدیده‌شناسی مدنی، اجتماعی و سیاسی و نیز دولت راهبردی را مورد کاوش قرار داد که بسان پرسه‌های معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و پدیده‌شناسی نظام مدنی، پیشرفت مدنی، دولت مدنی و کارآمدی مدنی و سایر پدیده‌های مدنی است و یا عوارض نه‌گانه کمی، کیفی، زمانی و مکانی این پدیده‌های مدنی است. به‌ویژه می‌توان این پدیده‌های مدنی با رویکرد توحیدی، رهیافت راهبردی و راهبرد کارآمدسازی، بهره‌وری و اثربخشی دولتی و ملی را مورد واکاوی قرار داد. در این صورت می‌توان آن را گفتمان و الگوی دولت، سیاست، کارآمدی و پیشرفت توحیدی دوساحتی مادی و معنوی، دوبعدی باطنی و ظاهری متعادل و متعالی نامید. در قبال و در مقابل گفتمان و الگوی دولت، سیاست و ناکارآمدی یا کارآمدی و توسعه غیر و ضد توحیدی تک‌ساحتی-تنازعی (فرویدیسمی- داروینیسمی) مادی، یعنی یک‌بعدی ظاهری متدانی نامتعالی و نامتعالی مدرنیستی غربی (لیبرالیستی-سوسیالیستی) غالب است.

برآمد حاصل

الگوی «دولت راهبردی» مدل «دولت معمار» است. «دولت ستادی» ستاد سراسری (ملی و کشوری) است؛ سازمان صفی مرکزی نیست و دارای نقش راهبردی، ستادی، معماری و غیره است و این گونه نهاد یا فرانهادی راهبردی فرابردی محسوب می‌شود. سیاست دولت سیاست ستادی، معماری، راهبردی است. مراد از هدایت، هماهنگی و پشتیبانی ستادی است و کارگذاری به‌شمار می‌آید. منظور از سیاست هدایت (راهبردی، راهنمایی و نقشه‌راه)، ولایت (سرپرستی، بسیج و هماهنگی و راهبرد) و امامت (راهبری، اعمال و اقامه و ایصال یعنی رسانیدن به مطلوب) است. «الگوی دولت کارگزار» سیاست‌گذار و سیاست‌مدار است. مراد از نقش کارگذاری دولت سیاست‌گذاری و سیاست‌مداری است؛ یعنی ترسیم و تصویب سیاست‌ها و اعمال و تحقق آن‌ها در کشور محسوب می‌شود و در همه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. یعنی عهده‌دار تصمیم‌گیری^۱ و تصویب سیاست‌های راهبردی (رهبری) تا کاربردی‌سازی (در قالب برنامه‌های پنج‌ساله، قوانین بودجه یک‌ساله و سایر قوانین عادی توسط مجلس شورای اسلامی) و اجرایی‌سازی (مدیریت اجرایی) و اعمال آن‌ها توسط قوه مجریه از ریاست جمهوری، معاونان و سازمان‌های مربوط و وزارتخانه در بخش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در سطح ملی (مرکزی و سراسری) و محلی (استانی تا شهرستانی) است. با اجرایی‌سازی آن‌ها توسط بخش عمومی به‌مثابه واسطه و مبدل میان دولت و بخش خصوصی و جاری‌سازی توسط بخش خصوصی است. در بخش‌های سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. چنین گفتمان (نگاه، نظریه نظام) و الگویی (نمونه) عملی و تحقیقی عینی دولت، کارآمدی، الگوسازی پیشرفت و نظام مدنی راهبردی، گفتمان و الگوی علمی و فنی سیاسی خاص خویش را ایجاد می‌کند و می‌طلبد. مراد علم راهبردی و راهبرد علمی است. به تعبیری و برعکس نیز گفتمان و الگوی علم سیاسی راهبردی یا علم راهبردی

۱. سیاست‌گذاری کلان راهبردی تا سیاست‌گذاری‌های خرد کاربردی و اجرایی‌سازی و حتی جاری‌سازی و به تعبیری، تهیه سیاست‌ها از ترسیم و تصمیم‌سازی تا تصمیم‌گیری و تصویب را شامل می‌شود. ترسیم و تصمیم‌سازی می‌تواند توسط نیروها و نهادهای غیردولتی و مدنی و احیاناً با مشاورت‌های دولتی صورت گیرد: «وَسَّأَوْزُهُمْ فِي الْأُمْرِ فَإِذَا عَزَمْتُ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران: ۱۵۹). اما تصمیم‌گیری نهایی و تصویب رسمی کارویژه دولت است؛ کما اینکه اعلان و ابلاغ سیاست‌ها، اقامه و اعمال آن‌ها و کاربردی‌سازی، اجرایی‌سازی تا جاری‌سازی آن‌ها از رهبری، مجلس، قوه اجرایی و نیز بخش عمومی و بخش خصوصی را دربر می‌گیرد.

سیاسی، گفتمان و الگوسازی عملی و تحقیقی عینی سیاسی راهبردی چنین پیشرفتی را به ترتیب پیش‌گفته ایجاد می‌کند. در نتیجه، علم سیاست راهبردی، سیاست راهبردی علمی تولید می‌کند و کارآمدسازی دولت و بلکه دولت‌سازی کارآمد و پیشرفت همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی همگن و همگون کشور را در پی خواهد داشت.

الف- جمع‌بندی

علم و فن پیشرفت مدنی، نظام مدنی، دولت و حکومت مدنی و سیاست مدنی و حتی کارآمدی مدنی با رویکرد توحیدی، رهیافت راهبردی و راهبرد کارآمدی مورد کاوش قرار گرفت و اهم اعتبارات مربوط واکاوی شد. الگوی راهبردی دولت‌سازی و سیاست پیشرفت و مراتب یا وجوه، عرصه‌ها، بخش‌ها، گستره‌ها، مراحل، شئون و موارد دولت‌سازی کارآمد مطرح شدند.

ب- نتیجه‌گیری

مطرح، تبیین و اثبات شد که الگوی راهبردی دولت نقش بنیادین، جامع یا رسا، نظام‌مند یا سازوار و هدفمندی، ظرفیت کارآمدی، بهره‌وری اثربخشی بهینه و بسامانی در جهت تحقق پیشرفت مدنی دارد.

ج- راهبرد

بدین ترتیب علم و فن سیاست علم و فن راهبرد و راهبردی فرابردی پیشرفت است. علم و فن دولت به معنای نظام سیاسی، فراساختار راهبردی است و به معنای هیئت راهبردی، فرمانده راهبردی فرابردی است. بدین سبب با رویکرد توحیدی سیاست و سیاست توحیدی، با رهیافت راهبردی سیاست و سیاست راهبردی و سرانجام با راهبرد کارآمدسازی دولت و بلکه دولت‌سازی کارآمد می‌توان به الگوسازی پیشرفت مدنی به‌مثابه راهبرد دستیابی به چشم‌انداز تمدن‌ساز نوین اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی سیر کرد و دست یافت. **إن شاء الله!**

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. اشتراوس، لئو. ۱۳۷۳. فلسفه سیاسی چیست؟ ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. جرجانی، میر سید شریف. ۱۳۷۷. تعریفات. ترجمه حسن سید عرب و سیما نوربخش. تهران: فرزاد.
۴. چالمرز، آلن ف. ۱۳۷۴. چیستی علم؛ درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی. ترجمه سعید زیباکلام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. خوارزمی، ابو عبدالله محمد. ۱۳۶۲. مفاتیح علوم. ترجمه سید حسین خدیو جم. تهران: علمی و فرهنگی.
۶. دریفوس، هیوبرت؛ رابینو، پل. ۱۳۷۶. فوکو، فراساخت‌گرایی و هرمنوتیک. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
۷. صدرا، علیرضا. ۱۳۸۹. نقش راهبردی دولت در نظریه سیاسی امام خمینی (ره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. _____ ۱۳۹۵. گفتمان مهدویت و چالش‌های آسیب‌شناسی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. صدرالدین شیرازی، محمدین ابراهیم. ۱۳۷۵. شواهد ربوبیه. ترجمه از عربی و تفسیر جواد مصلح. تهران: سروش. چاپ دوم.
۱۰. صلیبا، جمیل. ۱۳۶۶. فرهنگ فلسفی. ترجمه منوچهر صانعی. تهران: حکمت.
۱۱. طوسی، خواجه نصیرالدین محمد. ۱۳۶۴. اخلاق ناصری. تصحیح و تنقیح: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی. چاپ سوم.
۱۲. فارابی، محمد. ۱۴۰۴ق. اندیشه‌های اهل مدینه فاضله. ترجمه سید جعفر سجادی. تهران: طهوری. چاپ دوم.
۱۳. _____ ۱۴۰۵ق. فصول منتزعه. حقه و قدم له و علق علیه فوزی متری نجار. قم: المکتبه الزهراء. طبع ثانی.
۱۴. کربن، هانری. ۱۳۶۱. تاریخ فلسفه اسلامی. ترجمه اسدالله مبشری. تهران: امیرکبیر. چاپ سوم.

۱۵. گیبینز، جان آر؛ ریمر، بو. ۱۳۸۱. سیاست پست‌مدرنیسم؛ درآمدی بر فرهنگ و سیاست معاصر. ترجمه منصور انصاری. تهران: گام نو.
۱۶. لاک، جان. ۱۳۹۸. رساله‌ای در باب حکومت مدنی. ترجمه حمید عضدانلو. تهران: نی.
۱۷. لیتل، دانیل. ۱۳۷۳. تبیین در علوم اجتماعی؛ درآمدی به فلسفه علم الاجتماع. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۸. مارش، دیوید؛ استوکر، جری. ۱۳۷۸. روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۹. محسن افنان، سهیل. ۱۴۰۴ه. واژه‌نامه فلسفی. تهران: انتشارات حکمت. چاپ دوم.
۲۰. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. ۱۳۷۸. سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.